

نگاهی تاریخی به مسأله رابطه علم و دین



علم و دین تا قرن 16 و 17 از هم جدا نبوده بلکه در کنار هم بودند، اما در اثر کشفیات جدید علم تجربی و نیز برخورد بد کلیسا با عالمان ، دغدغه نگرانی جدایی علم و دین ایجاد شد.

علم و دین تا قرن 16 و 17 از هم جدا نبوده بلکه در کنار هم بودند، اما در اثر کشفیات جدید علم تجربی و نیز برخورد بد کلیسا با عالمان ، دغدغه نگرانی جدایی علم و دین ایجاد شد.

سؤالات پیش روی رابطه علم و دین بدین قرار است: آیا جهان قانون مند است؟ آیا علم نفی کننده دین است؟ آیا در دوران حاکمیت علم، جهت گیری هدفمند برای جهان توجیه پذیر هست و

دانشمندان امروزه می گویند که علم و دین برای قرن 21 تصمیم می گیرند پس امروز بازار آشتی دادن این دو باز است حتی به علمای این دو حوزه جایزه هم می دهند.

نخستین چالش های باب علم و دین بیشتر جنبه روانشناختی داشته است یعنی وقتی توانایی علم را دیدند عده ای به قول خودمان جوگیر شدند و تصور کردند که حتی می توانند بهشت را هم بر زمین بیاورند و در نهایت به این نتیجه رسیدند که به خدا احتیاج ندارند.

از قرن بیستم باز این جریان فروکش کرد و افراد هم در این رابطه عقب نشینی کردند، بنابراین بحث آشتی و صلح بین علم و دین، ایجاد شد.

جهان اسلام در 150 سال اخیر رابطه عمیقی بین علم دین برقرار کرد، عده ای مثل علامه طباطبایی، مهندس بازرگان، شهید صدر، آیت الله مصباح یزدی و نقیب العطاس، سید جمال الدین اسدآبادی و ... در این راستا تلاش کردند. بنابراین در این وضع دو رویکرد وجود داشت؛ نخست عده ای که می گویند علم و دین با هم سازگار است و عده ای که می گویند راه این دو از هم مجزاست.